

مسئولیت ناشی از رعایت نکردن اصول استاندارد

در فقه و حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

دکتر مرتضی چیت سزایان^۱

استادیار دانشگاه شهیدمطهری (ره)

چکیده

از مسائل مهم در وضعیت، بهداشت و تجارت رعایت استانداردهای جهانی است. استاندارد یادآور نظم و تنظیم و به معنای بهبود کیفیت است. وقتی سخن از استاندارد به میان می‌آید در واقع از بهبود کیفیت سخن می‌گوییم. استانداردها سلامت ایمنی و بهداشت محصولات و خدمات را تضمین می‌کنند. عدم رعایت استاندارد خسارت‌های جبران ناپذیری را به فرد و اجتماع وارد می‌کند. یکی از حقوق افراد جامعه استفاده از کالاهای بی‌ضرر و با کیفیت است. بنابراین استاندارد جزء حقوق شهروندی محسوب می‌شود. مسئله بروز خسارت و جبران آن هم در فقه و هم در قانون ایران مورد بررسی قرار گرفته است. ایجاد ضرر و زیان در فقه موجب ضمان قهری می‌گردد. طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. در این مقاله برآن هستیم تا دلایل فقهی لزوم رعایت استاندارد و مسئولیت‌های ناشی از عدم رعایت آن را در قوانین ایران را بررسی کنیم. آیات قرآنی و روایات دعوت به دقت و انسجام و اتقان در امور دارند و اینکه باید کار را درست انجام داد و موازین قانونی را دقیق رعایت نمود. از جمله قواعد فقهی که رعایت استاندارد را ایجاب می‌کنند می‌توان به قواعد لاضرر، تسبیب و غرور اشاره کرد. بنابراین استاندارد اساس محکمی در فقه دارد. اما در قانون اهمیت چندانی برای آن قائل نشده‌اند. قانون ایران

^۱ Morteza.chitsazian@yahoo.com

نیازمند قوانینی محکم‌تر و بازدارنده‌تر جهت جلوگیری از بروز اهمال و کوتاهی در رعایت استاندارد و مجازات شدیدتر برای متخلفین است.

واژگان کلیدی: استاندارد، خسارت، مسئولیت، قواعد فقهی

مقدمه

زمانی که تولید با استفاده از ابزارهای سنتی انجام می‌گرفت، تعیین کیفیت و تشخیص آن کار چندان مشکلی نبود، پی بردن به کیفیت تولید و خدمت با استفاده از حواس پنج‌گانه میسر بود، اما با پیشرفت علوم، فن‌آوری افزایش جمعیت و بالا رفتن مصرف، ضرورت تولید انبوه و در نتیجه جایگزین شدن ماشین به جای انسان و ابزار دستی، دیگر سنجش کیفیت با استفاده از حواس پنج‌گانه و بدون آزمایشگاه و ابزار و توانایی‌های فنی امکان‌پذیر نبود. استانداردها، حاوی زنده‌ترین اصول تکنولوژی جهانی است که خود نتیجه و عصارهٔ قرن‌ها کوشش و پژوهش و آزمایش و خطای هزاران دانشمند و محقق و کارشناس در طی قرون متمادی بوده است. استانداردها برای حفظ سلامت ایمنی و بهداشت مصرف‌کنندگان محصولات و خدمات تهیه شده‌اند که عدم رعایت این اصول به طور مستقیم سلامتی و در نهایت جان انسان‌ها را تهدید می‌کند. باتوجه به اهمیت بالای استاندارد در در دنیای امروزی مقتضی است که مسئولیت ناشی از تخلف از استانداردها در تولیدات صنعتی از منظر فقه و قانون ایران روشن گردد.

بخش اول: تعریف استاندارد

استاندارد واژه‌ای انگلیسی به معنای پرچم و عَلم است، و از کلمه Stand به معنی ایستادن، ماندن، و قرار گرفتن اخذ شده است. استاندارد در اصطلاح متداول امروزی به معنای مقیاسی برای اندازه‌گیری، مدل و نمونه اشیاء، تعیین کمیت و کیفیت، و آنچه دارای مشخصات رسمی است به کار می‌رود. استانداردها مدارکی دربرگیرنده قواعد و رهنمودها یا ویژگی‌هایی برای فعالیت‌ها یا نتایج آنها هستند که به منظور استفاده مکرر عمومی، ایجاد

۱. اکبری حقیقی، کریم، استاندارد چیست و استاندارد کردن برای چه هدفی است؟، تهران، موسسه استاندارد و تحقیقات

هماهنگی و وحدت، توسعه تفاهم، تسهیل ارتباطات، صرفه‌جویی در اقتصاد ملی، حفظ سلامت و ایمنی عمومی، و گسترش مبادلات بازرگانی داخلی و خارجی فراهم آمده و توسط سازمان معتبری تصویب شده باشند. طبق تعریف سازمان بین‌المللی استاندارد، هر استاندارد نتیجه تلاش خاصی است که برای هماهنگ کردن جریان یا محصولی معین پدید آمده و به‌تصویب مقام صالحی رسیده باشد و ممکن است به یکی از شکل‌های زیر باشد: الف) نوشته‌ای حاوی یک سلسله شرایط لازم؛ ب) واحدی اساسی یا کمیتی ثابت مانند آمپر، صفر مطلق، و جز آن؛ ج) ابزاری مادی برای سنجش، مانند متر. استانداردها موافقت‌نامه‌هایی هستند، شامل ویژگی‌های فنی و یا معیار دقیق که به عنوان قوانین، دستورالعمل‌ها و یا تعاریف و ویژگی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، و مواد، محصولات، فرایندها و خدمات مناسب با اهداف را تضمین می‌نمایند. چنین موافقت‌نامه‌هایی اگر بین المللی باشند آنها را استانداردهای بین‌المللی می‌نامند. استانداردها به ساده‌زیستی کمک می‌نمایند و کارایی کالاها و خدمات مورد مصرف را افزایش می‌دهند.

بخش دوم: تاریخچه استاندارد

استاندارد کردن پدیده جدیدی نیست و از دیر زمان در زندگی بشر وجود داشته است. استاندارد کردن نیز مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی شناخت و برداشتی است که انسان از محیط پیرامون خود دارد. این امر در ابتدا به صورت ناخودآگاه تحقق یافته است. برای مثال در تاریخ پیدایش سیستم شمارش دهدهی که هم اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و به گذشته بسیار دور باز می‌گردد در واقع الگویی است از تعداد انگشتان دو دست انسان. همین گونه استاندارد کردن تقویم و تعداد روزهای ماه در سال رومی که توسط ژولیوس سزار در سال ۴۶ قبل از میلاد مسیح انجام شده است. در ایران در زمان داریوش اول پادشاه هخامنشی وزنه‌های استاندارد شده‌ای بود بر اساس واحدی که «کرشه» نامیده می‌شد و وزن هر کرشه معادل ۸۳/۳ گرم بود. وزنه‌ای که از آن زمان باقی مانده و هم اکنون در ایران موجود است معادل ۱۲۰ کرشه می‌باشد. در انگلستان در زمان جان پادشاه انگلیسی استانداردهای در رابطه با اوزان و مقیاس‌ها که در امر تجارت تعریف شده است. همین طور در زمان ادوارد اول پادشاه انگلیسی تعریفی برای اینچ بوده که جالب توجه است:

«اینچ عبارت است از سه دانه جوی خشک شده که در یک امتداد و سر به سر قرار گرفته باشد.»^۱ در یک بررسی اجمالی مشخص شده استانداردهای عمده که در عهد باستان و به طور کلی قبل از رنسانس جنبه عمومی داشته و نیاز به آن بیشتر از موارد دیگر احساس شده است استانداردهای اوزان و مقیاس‌ها می‌باشد اما پس از عصر رنسانس با توجه به تحول بنیادی و طرز تفکر اجتماعی و رشد تولید اختراعات صنعتی استانداردهای صنعتی نیز بوجود آمدند. یکی از قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین بحث‌های استاندارد که در بحث‌های استانداردهای قانون به آن توجه شده است و در حال حاضر نیز به عنوان اولین اصل استاندارد کردن مطرح است، اصل کاهش انواع و در کنار آن اصل تعویض‌پذیری است به طوری که همین اصل موجبات تولید انبوه را فراهم نموده است. در گذشت هر تولیدکننده صنعتگری با توجه به ابزارهای ابتدایی و میراث نیاکان خود محصولاتی با شکل و طرح مختلفی ساخت اما امروزه با منسجم شدن تولید محصولاتی با ویژگی‌های یکسان تولید می‌گردد. از پیشگامان اصل کاهش انواع و تعویض‌پذیری می‌توان به یک آمریکایی به نام الی ویتنی اشاره کرد. این شخص در سال ۱۷۹۳ برای نخستین بار تفنگی سرپر را طراحی کرد که دارای قسمت‌هایی قابل تعویض بود در واقع پایه تولید انبوه را ایجاد کرد. به‌کارگیری این استانداردها توسط تولیدکنندگان و محققان مستلزم آن بود که به‌شکل مکتوب در آیند و در کتابخانه‌ها و مراکز استاندارد نگهداری و سازماندهی شوند. به همین سبب، تدوین استانداردهای بین‌المللی در زمینه‌ها و سطوح مختلف توسط سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو) انجام گرفت و به‌صورت جزوه‌هایی منتشر شد و به کلیه کشورهای عضو سازمان ارسال گردید. در ایران نیز، نخستین حرکت مدون استانداردنویسی با تصویب قانون اوزان و مقیاس‌ها در سال ۱۳۰۴ آغاز گردید و در سال ۱۳۳۲ به لحاظ ضرورت تعیین ویژگی‌های کالاها و جلب توجه تولیدکنندگان و واردکنندگان به اهمیت کالاهای استاندارد شده، تشکیلاتی جهت تهیه و تدوین استانداردهای ملی در وزارت بازرگانی ایجاد شد. در سال ۱۳۳۹، با تصویب قانون تأسیس مؤسسه استاندارد ایران، کار رسمی این مؤسسه در

^۱. یگانه، مهرداد، استاندارد و استاندارد کردن، کرج، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵ -

چارچوب اهداف و مسئولیت‌های تعیین شده در این قانون ادامه یافت و در سال ۱۳۴۳ به مؤسسه استاندارد تحقیقات صنعتی ایران تغییر نام داد. مؤسسه استاندارد از سال ۱۳۴۰ به عضویت ایزو از سال ۱۳۴۴ به عضویت کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک در آمد. نخستین استانداردهای تهیه شده به ویژگی و درجه‌بندی کالاهای صادراتی (عموماً محصولات کشاورزی) اختصاص داشت و به‌صورت آزمایشی تدوین شد. تا سال ۱۳۴۳ هفده استاندارد به‌صورت آزمایشی تهیه گردید که عموماً مربوط به کالاهای سنتی و به‌منظور کمک به بهبود صادرات بود ولی بعدها تصمیم گرفته شد که در همه زمینه‌ها استانداردهای لازم تدوین شود و تهیه استانداردها از حالت آزمایشی به‌صورت قطعی تغییر یابد. در سال ۱۳۴۵ برای نخستین بار علامت استاندارد ایران بر روی کالاهای ایران مشاهده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت دگرگونی در ساختار اقتصادی کشور و توجه جدی به امر کیفیت منجر به تدوین استانداردهای ملی گردید و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به تهیه و تدوین و نشر استانداردهای ملی ایران در زمینه‌های مختلف مواد و مصالح و فرآیندها پرداخت. تدوین استانداردهای ملی با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نمایندگانی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط، صاحبان صنایع، نماینده‌های انجمن‌های صنفی مربوط، و جز آن انجام می‌شود. در این فعالیت، کارشناسان مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و ادارات کل تابعه به‌عنوان دبیر تدوین فعالیت دارند. این مؤسسه در حاشیه کار اصلی خود، یعنی تهیه استانداردها، وظیفه گردآوری و سازماندهی استانداردهای سایر کشورها و نیز هماهنگی و ارتباط با سازمان جهانی استانداردها (ایزو) را عهده‌دار است. کتابخانه مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بسیاری از استانداردهای جهانی و خارجی را در مجموعه خود دارد که، به‌لحاظ صرفه‌جویی‌های ارزی و اقتصادی، کتابخانه‌های تخصصی می‌توانند به این مؤسسه مراجعه کنند. فهرست استانداردهای ملی ایران آخرین بار در سال ۱۳۷۱ منتشر گردید و حاوی ۳۲۳۸ عنوان استاندارد بود که با گذشت چهار سال تعدادی از آنها باطل و برخی دیگر تجدید نظر و یا تجدید چاپ گردید و بیش از ۶۰۰ استاندارد به آن

^۱. روشن بین، فروز، مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی، تهران، صم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۸.

^۲. همان، ص ۱۹.

افزوده شده است. گذشته از پیشینه تاریخی غیر مدون استانداردها در ایران اولین تشکیلات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران با تصویب قانون اوزان و مقیاسها در سال ۱۳۰۴ شمسی مطرح می‌شود. بعدها در سال ۱۳۳۲ به لحاظ ضرورت تعیین ویژگی‌ها و نظارت در کیفیت کالاهای صادراتی و وارداتی ایجاد یک تشکیلات رسمی مورد توجه قرار گرفته و هسته اولیه تشکیلات سازمانی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به صورت اداره‌ای در وزارت بازرگانی وقت شکل می‌گیرد. در سال ۱۳۳۹ با تصویب قانون تأسیس موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به صورت اداره‌ای در وزارت بازرگانی وقت شکل می‌گیرد. موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران علاوه بر عضویت در سازمان بین‌المللی استاندارد ISO سازمان بین‌المللی اندازه‌شناسی قانونی OIM و انجمن جهانی سازمان‌های تحقیقاتی صنعتی و تکنولوژیکی Waitro با سازمان‌های بین‌المللی زیر همکاری دارد:

کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک.

عهدنامه مصر راجع به دفتر بین‌المللی اوزان و مقیاسها.

وظایف و مسئولیت‌های موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بر اساس قانون مصوبه بهمن ماه ۱۳۷۱ به شرح زیر است:

تعیین، تدوین و نشر استانداردهای بین‌المللی و ملی به عنوان تنها مرجع رسمی در کشور به استثنای مواد دارویی. انجام تحقیقات کاربردی به منظور تدوین استاندارد و بالا بردن کیفیت کالاهای داخلی و کمک به بهبود روشهای تولید و کارآیی صنعتی.^۱ به طور کلی اهداف استاندارد کردن در سطح بین‌المللی را می‌توان به صورت‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- حفظ نگره داری پیشرفت‌ها حتی در یک سطح معین در تمام دنیا و در طرح و ارائه تکنولوژی‌های پیشرفته در استانداردهای بین‌المللی و انتقال آنها به استانداردهای ملی باتوجه به نیاز و موقعیت زمانی کشور از نظر توسعه فنی و صنعتی.

^۱ حائری، علی، پیشین، ص ۳۰.

۲- حفظ و اشاعه تجربیات بین المللی و استانداردهای ملی به منظور رشد و توسعه آنها و تلاش در جهت هم سطح نمودن استانداردهای ملی با استانداردهای بین المللی جهت ارتقا کیفیت فرآورده‌ها و خدمات.

۳- حفظ تلاش‌ها و مقاطع ملی به واسطه پذیرش مستقیم استانداردهای بین المللی در مورد مسائل پایه تکنیک‌ها از قبیل: سیستم متریک، حدود و روا داری، کدها و علائم، علائم ایمنی و غیره

۴- رایه مشکلات فنی کشورهای مختلف در اجتماعات مختلف بین المللی به منظور اینکه استانداردهای بین المللی قادر به انعکاس احتیاجات و نیازمندی‌های کشورهای بوده و به امر تجارت و توسعه بین المللی آنها کمک نماید.

۵- تغییر مؤسسات استاندارد ملی برای تهیه استانداردهای بین المللی برای موضوعات، رشته‌ها یا فرآورده‌هایی که بیشتر در کشورهای مربوط مطرح است یا تولید می‌شود.^۱

بخش سوم: دیدگاه فقه در لزوم رعایت استاندارد

بند اول: استاندارد از منظر قرآن

یکی از مفاهیم بنیادی که در قرآن به لحاظ مفهومی تشابه زیادی با استاندارد دارد، مفهوم میزان است؛ چراکه همان گونه که گفته شد واژه استاندارد به معنای تنظیم معیاری دقیق برای کیفیت و کمیت محصولات و خدمات است و در قرآن نیز، کلمه میزان در آیه ۸۵ سوره هود هم به مفهومی مشابه استاندارد به کار رفته است: (وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ وای قوم من! پیمانانه و وزن را باعدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید).

همچنان که در آیه ۸۵ سوره اعراف آمده است: (وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ * وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و (همچنین) به برادر مردم مدین، یعنی شعیب وحی کردیم او نیز به مردمش گفت: ای قوم! خدا را پرستید چون غیر او معبودی ندارید و

^۱. یگانه، مهرداد، بیشین، ص ۳۹ - ۳۷.

در معاملات، ترازو و قپان را به نفع خود زیاد و به ضرر مردم کم نگیرید، من خیرخواه شما هستم من بر شما از عذاب روزی می‌ترسم که عذابش از هر جهت فراگیر است. * و ای مردم! پیمان‌ه و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید.) علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید: این آیات داستان شعیب (ع) و قوم او را که همان اهل «مدین» باشند می‌سراید، اهل مدین بتها را می‌پرستیدند و بیماری کم‌فروشی در بین آنان شایع و فسادهای دیگر نیز در میان ایشان رایج شده بود، خدای سبحان شعیب(ع) را به سوی آنان مبعوث کرد و آن جناب قوم مدین را به سوی دین توحید و کیل و وزن به سنگ تمام و عادلانه و ترک فساد در زمین دعوت نموده، بشارت‌ها داد و اندرز کرد و در موعظه آنان سعی بلیغ نمود تا جایی که رسول خدا (ص) فرمود: شعیب (علی) خطیب انبیاء بود. لیکن جز با رد و عصیان جوابی به او ندادند و حتی تهدیدش کردند که تو را سنگسار می‌کنیم، و یا گفتند: تو را از دیار خود تبعید می‌کنیم، و آزار و اذیت او وعده کمی که به او ایمان آورده بودند را به نهایت رساندند و نمی‌گذاشتند مردم به او ایمان بیاورند، و راه خدا را به روی مردم می‌بستند، و به این رفتار خود ادامه دادند تا آنجا که جناب شعیب (ع) از خدا خواست تا بین او و آنان حکم نموده و آنان را هلاک کند. در آیه شریفه اینکه از میان همه گناهان قوم، خصوص کم‌فروشی و نقص در مکیال و میزان را نام برده، دلالت دارد بر اینکه این گناه در بین آنان شیوع بیشتری داشته و در آن افراط می‌کرده‌اند به حدی که فساد آن چشمگیر و آثار سوء آن روشن شده بوده و لازم بوده که داعی به سوی حق، قبل از هر دعوتی آنان را به ترک این گناه دعوت کند و از میان همه گناهانی که داشته‌اند انگشت روی این یک گناه می‌گذارد.

وجه دلالت آیه: اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسانی تشکیل می‌شود اساس حقیقتاً بر مبادله و داد و ستد است، پس هیچ مبادله و اتصالی بین دو فرد از افراد این نوع برقرار نمی‌شود مگر آنکه در آن اخذی و اعطایی باشد.

بنابراین به‌ناچار افراد مجتمع در شؤون زندگی خود تعاون دارند، یک فرد چیزی از خود به دیگری می‌دهد تا از چیزی مثل آن و یا بیشتر از آن که از او می‌گیرد استفاده کند، و یا به دیگری نفعی می‌رساند تا از او بسوی خود نفعی دیگر جذب کند، که ما این را معامله و مبادله می‌گوییم.

و از روشن‌ترین مصادیق این مبادله، معاملات مالی است، مخصوصاً معاملاتی که در کالاهای دارای وزن و حجم صورت می‌گیرد، کالاهایی که به وسیله ترازو و قیان سنجش می‌شود، و این قسم داد و ستدها از قدیمی‌ترین مظاهر تمدن است که انسان به آن متنبه شده، چون چاره‌ای از اجرای سنت مبادله در مجتمع خود نداشته است.^۱

پس معاملات مالی و مخصوصاً خرید و فروش، از ارکان حیات انسان اجتماعی است، آنچه را که یک انسان در زندگیش احتیاج ضروری دارد و آنچه را هم که باید در مقابل به‌عنوان بها بپردازد با کیل و یا وزن اندازه‌گیری می‌کند و زندگی خود را بر اساس این اندازه‌گیری و این تدبیر اداره می‌کند. بنابراین اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به او خیانتی شود که خودش ملتفت نگردد تدبیر او در زندگیش تباہ و تقدیر و اندازه‌گیری باطل می‌شود و با این خیانت، نظام معیشت او از دو جهت مختل می‌گردد: یکی از جهت آن کالایی که می‌خرد و لازمه زندگیش را تأمین می‌کند و دیگری از جهت آنچه که به عنوان بها می‌پردازد، در جهت اول احتیاجش آن طور که باید برآورده نمی‌شود و در جهت دوم پولی بیشتر از آنچه گرفته است می‌پردازد، پول زایدی که در به دست آوردنش تلاش‌ها کرده و خود را خسته نموده است، در نتیجه دیگر نمی‌تواند به اصابه و درستی نظر و حسن تدبیر خود اعتماد کند، و در مسیر زندگی دچار خبط و سرگیجه می‌شود و این خود فساد است.^۲ حال اگر این فساد از یک نفر و دو نفر تجاوز نموده و در کل افراد شیوع یابد فساد در مجتمع شیوع یافته و چیزی نمی‌گذرد که وثوق و اعتماد به یکدیگر را از دست داده، امنیت عمومی از آن جامعه رخت بر می‌بندد و این خود نکبتی است عمومی که صالح و طالح (غیر صالح)، و کم‌فروش و غیر کم‌فروش را به یک جور دامنگیر می‌شود و اجتماعشان بر اساس نیرنگ و افساد حیات اداره می‌شود نه بر اساس تعاون برای تحصیل سعادت، و لذا خدای تعالی می‌فرماید:

^۱. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۵۲ - ۳۴۹.

^۲. همان، ص ۳۵۴ - ۳۵۲.

(وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَ زَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) سودهای حاصل از کم فروشی و تزییع حقوق دیگران برای مؤمنین، خیر بشمار نمی‌رود. بلکه بهره‌ خدایی و رزق حلال (بقیة الله) برای مؤمنان بهتر است.)

بنابراین خدای متعال نیز در قرآن کریم انسان‌ها را به رعایت اصول و قوانین اندازه‌گیری کالاها راهنمایی می‌کند. این اصول همانند اصول استاندارد در تولیدات امروزی است.

بند دوم: لزوم رعایت استاندارد با استفاده از قواعد فقهی

با مطالعه قواعد فقهی می‌توان لزوم رعایت استاندارد را مشمول قواعدی دانست که رعایت ارکان استاندارد را ایجاب می‌کنند. این قواعد عبارتند از: قاعده اتلاف - قاعده تسبیب - قاعده غرور - قاعده لا ضرر - قاعده سبق

قاعده اتلاف: قاعده اتلاف آن است که فعل مثبت شخص بدون واسطه موجب خسارت غیر گردد، مثلاً راننده‌ای با بی‌احتیاطی ماشین خود را به مغازه‌ای می‌زند و در مغازه و یا ویتترین آن را می‌شکند ولی در تسبیب مسبب فعل مثبت و یا منفی خود مع الواسطه به دیگری ضرر رسانده است. عمل مسبب ممکن است مثبت باشد یا منفی. عمل مثبت مانند آن است که کسی پوست خربزه را در معبری بریزد و رهگذری که حامل ظروف چینی و بلور بوده پایش بلغزد ظروفش بشکند. مسبب فعل منفی مانند آن که قیم از اجاره ملک مولی علیه خود داری، از تجارت با پول اضافی صغیر دریغ نماید، نگاهبان راه آهن از گذاردن علامت خطر غفلت نماید و یا در دادن علامت آزادی یا مسدود بودن خط مسامحه کند. مطابق این قاعده اگر به جها رعایت‌نکردن استانداردها تولیدکنندگان صنعتی موجب اتلاف جانی یا مالی مصرف‌کنندگان گردد، مسئول هستند.

قاعده تسبیب: قاعده تسبیب یکی از قواعد متقنه است و بر مبانی و اساس آن هیچگونه ایراد و اشکالی وارد نیست. این قاعده عبارت از این است که هر کس سبب تلف و خسارت گردد ولو آنکه خود مباشرت به اتلاف و توجه ضرر نداشته باشد ضامن است و باید جبران مال تلف شده را بنماید و مسئولیت مدنی این امر متوجه مسبب است مثلاً شخصی که می‌خواهد عمارت چند اشکوبه در جوار همسایه خود بسازد و بدون رعایت احتیاط و پیش

بینی شروع به پی کنی می‌نماید در نتیجه خانه همسایه خراب و اثاثیه او زیر آوار مانده تلف می‌گردد مسئول است و باید از عهده غرامات و خسارات همسایه بر آید و یا صاحب ماشینی که می‌داند ماشینش خراب و بدون ترمز است و یقین دارد که کار کردن با آن منجر به حوادث نامطلوب خواهد شد و در اثر طمع‌ورزی، سودطلبی به راننده خود امر می‌کند به کار کردن با آن ماشین ادامه دهد و در نتیجه ماشین به دره پرتاب و مال‌التجاره تاجر از بین می‌رود مسئول خسارات وارده می‌باشد زیرا با علم به خرابی ماشین داننده خود را وادار به ادامه بکار نموده است. مدیر داروخانه که با علم به فساد دارو به کارگران خود دستور فروش آن را می‌دهد و موجب صدمه بدنی مریض می‌گردد خود شخصاً مسئول است نه شاگرد او که دارو را فروخته. بالجمله در قاعده تسبیب مباشرت شرط نیست ولی در قاعده تلف مباشرت شرط است قاعده تسبیب دارای شرائط و ادله است، ادله قاعده تسبیب ادله چهار گانه فقهی از عقل، اجماع، قرآن و اخبار است.

شرائط تسبیب در فقه عبارت است از:

- پدید آمدن ضرر از عمل مثبت یا منفی مسبب
- اهلیت مسبب
- ضرر در اثر تقصیر مسبب باشد (وجود رابطه بین ضرر و عمل)
- مسبب واجد سوء نیت برای ارتکاب جرم نباشد.
- مسبب خود مباشرت در ایجاد ضرر نداشته باشد.

شرط پنجم تسبیب عدم مباشرت مسبب است زیرا اگر مسبب خود مباشرت در ایجاد ضرر رساندن داشته باشد مورد قابل انطباق با تسبیب نخواهد بود بلکه مشمول قاعده اتلاف است.^۱

وجه تمسک به قاعده در تخلف از استاندارد: همان‌طوری که روشن گشت استاندارد مجموع اصولی است که به جهت رعایت کیفیت کالای تولیدی است تا بدین وسیله افراد متضرر نشود. بنابراین اگر در تولیدات صنعتی استانداردهای لازم رعایت نشود، صاحبان تولید خود مسئول ضرر ناشی از استاندارد است نه توزیع‌کنندگان.

مستندات قاعده: ۱- اتفاق و اجماع فقها مبنی بر ضمان ناشی از تسبیب.

۲- روایت/ خبر

بررسی اخبار مستند قاعدهٔ تسبیب: یکم - صحیحهٔ حلبی

«کل شیء یضر بطریق المسلمین، فصاحبه ضامن لما یصیبه.»

حلبی می‌گوید؛ از امام صادق (ع) حکم قضیهٔ شخصی که چیزی در راه دیگری قرار دهد، به طوری که مرکب آن شخص در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین زد چیست؟ ایشان پاسخ دادند؛ هر چیزی که در راه مسلمین به آنان ضرر بزند، صاحب آن چیز، ضامن پی آمدهای آن خواهد بود.

دوم - صحیحه زراره:

«علیه ضمان لان کل من حفر بئراً فی غیر ملکه کان علیه ضمان»

زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم؛ حکم قضیه ی شخصی که در ملک دیگری (غیر ملک خودش) چاهی کنده و عابری در حین عبور در آن بیفتد چیست؟ ایشان پاسخ دادند؛ حفر کننده ضامن است. زیرا هر کس در ملک غیر خود چاهی حفر کند، ضامن است.

سوم - موثقه سماعه

سماعه می‌گوید از امام صادق (ع) در خصوص حکم کسی که چاهی در خانه ی خودش حفر می‌کند و دیگری در آن می‌افتد پرسیدم. ایشان بیان داشته‌اند؛ اگر چاه در ملک خودش باشد، باعث ضمان نیست. اما اگر در ملک غیر یا معبر عام حفر شده باشد و دیگری در آن بیفتد، موجب ضمان است.

چهارم - خبر سکونی:

«قال رسول الله(ص): من اخرج میزاباً أو کنیفاً أو اوتدواو تداً أو أثق دابهً أو حفر شیئاً فی طریق المسلمین فأصاب فعطب فهوله ضامن» هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد، مرتکب این اعمال ضامن است. در این خبر، موارد چندی

۱ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۱۴ ق، چاپ دوم، ج ۱۹، ص

۱۸۱.

۲ - همان، ص ۱۷۹.

۳ - همان، ص ۱۸۰.

۴ - همان، ص ۱۸۲.

که ممکن است سبب ورود خسارت به دیگری شود بر شمرده شده و بدین لحاظ جامعیت بیشتری به قاعده تسبیب داده است. نکته قابل توجه معبر بودن محل سبب‌های منجر به زیان است.

بند سوم: قاعده غرور

در اصطلاح، قاعده غرور عبارت است از این که هر گاه غرامتی که در اثر غفلت و جهل شخص به واقع، به سبب شخص دیگری برسد، همان شخص گول زنده ضامن است و معامله، در برخی موارد باطل است.

مستندات قاعده: به نظر بعضی از فقیهان، قاعده غرور از فروع قواعدی دیگر مانند لا ضرر یا اتلاف و تسبیب است ولی اکثر فقها آن را قاعده‌ای مستقل دانسته و مستندات مستقلی برای این قاعده ارائه داده‌اند. به نظر ما نیز مفاد قاعده چیزی وسیع‌تر از مفاد قواعد مزبور است، چرا که قاعده لا ضرر جز به روش تفسیری بعضی مکاتب فقهی، اصولاً اثبات ضمان نمی‌کند و قواعد اتلاف و تسبیب هم در جایی قابل استفاده‌اند که زیان زنده موجب تضییع و کاهش دارایی دیگری شود، در حالی که خسارات ناشی از غرور، اعم است از تضییع و اتلاف دارایی دیگری است. در مطالب بعدی این نکته روشن‌تر خواهد شد.

الف) روایات: در کتاب حاشیه بر مکاسب آمده که مشهور است که حضرت رسول(ص) فرموده: «المغرور یرجع الی من غره»، یعنی فریب خورده می‌تواند - در خصوص خسارات وارد شده - به فریب دهنده رجوع کند.

این حدیث را مرحوم محقق ثانی در حاشیه ارشاد نقل کرده و نیز ابن اثیر در نهاییه به آن اشاره می‌کند. حدیث دلالت دارد که فریب خورده به فریب دهنده رجوع می‌کند و روشن است که مقصود از رجوع، مطالبه ضرر و خسارت است و اشکال عمده، در سند حدیث است که گفته می‌شود ضعیف است.

بسیاری از فقها در سند حدیث اشکال کرده و گفته‌اند که این حدیث در کتب روایی وجود ندارد، بلکه عبارت مذکور قاعده‌ای است که از روایات گوناگون موجود در کتب حدیث گرفته شده است. در پاسخ به این شبهه بعضی گفته‌اند، نیافتن حدیث مذکور در کتب حدیث دلیل بر عدم آن نیست، زیرا در کتب فقها، به صورت روایت مرسله وارد شده است. مثلاً صاحب جواهر در کتاب غصب با این عبارت به عنوان یک حدیث برخورد کرده و در

مواقع مختلف به آن استناد جسته است. پس مشکل اساسی این است که این عبارت به عنوان حدیث پذیرفته شود که در این صورت اشکالی از حیث ضعف و ارسال بر آن مترتب نیست؛ زیرا همان طور که در مباحث اصول گفته‌ایم، در مورد احادیث ضعیف دو نظر بین فقها وجود دارد و مشهور معتقدند اگر حدیث ضعیف مستند فتوای فقهای زیادی قرار گرفت، ضعف سند آن جبران می‌شود و عده‌ای نیز نظر مخالفی دارند. ولی باید توجه داشت که اگر نظر فقهای گروه اول را بپذیریم، انصافاً باید گفت این حدیث از جمله احادیثی است که در ابواب مختلف فقه مورد استناد فقها واقع شده است. به هر حال چون مشهور فقها عقیده دارند که شهرت عملی موجب جبران ضعف سند حدیث می‌شود، لذا خود را از داخل شدن در موضوع سند روایت مذکور فارغ می‌دانیم.

ب) بنای عقلا: در عرف متداول، عقلا هرگاه از عمل دیگری گول بخورند و زبانی متحمل شوند به گول‌زننده مراجعه و مطالبه جبران خسارت می‌کنند. بر همین اساس، جبران خسارت ناشی از خدعه و نیرنگ در همه نظام‌های حقوقی دنیا مورد توجه است، هر چند که هر نظام حقوقی با روش مخصوص به خود خسارات زیان‌دیده را جبران می‌سازد. بنابراین، بنای عقلا در این مورد از دلایل قاعده غرور است.

ج) اجماع: یکی دیگر از مستندات قاعده غرور اجماع فقها بر اعتبار قاعده است؛ در رجوع «مغرور» به «غار» و ضمان غار در مقابل ضرر وارده به مغرور، بین فقها اختلافی نیست، بلکه فقها فقط در تطبیق قاعده بر مصادیق آن اختلاف نظر دارند. مثلاً وقتی که غار، جاهل یا در اشتباه بوده، در خصوص این که آیا این مورد از موارد غرور محسوب می‌شود یا خیر، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

د) ادله قاعده تسبیب: دلیل چهارم قاعده غرور همان‌هایی هستند که در مورد قاعده تسبیب گفته شد و در مورد قاعده غرور هم می‌توانند مستند باشند، ولی باید توجه داشت که بین قاعده غرور و قاعده تسبیب، به رغم تشابهات فراوان، اختلافات زیادی وجود دارد. حاکمیت قاعده تسبیب جایی است که بین سبب و مباشر، اراده و اختیاری فاصله نیندازد و چنانچه بین مسبب و عمل، یک اراده فعال وجود داشته باشد، مورد یقیناً از موارد

۱. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۱۶۹ - ۱۶۳.

۲. همان، ص ۱۳۴.

تسبیب نخواهد بود، بلکه از جمله موارد حاکمیت قاعده غرور است. مثلاً وقتی شخصی، دیگری را با عملش و بدون خدعه گول می‌زند، شخص گول خورده به هر حال با اراده و قصد و اختیار این کار را می‌کند و در اینجا قاعده تسبیب دخالت ندارد؛ زیرا در قاعده تسبیب، فعل باید مستند به سبب باشد و فاعل مختاری بین مسبب و عمل فاصله نیندازد.

ه) روایات خاصه: روایات خاصه‌ای وارد شده که هر چند در آن‌ها عنوان «غرور» وجود ندارد، ولی از نظر معنا و مفهوم، مدرک و دلیل اعتبار قاعده غرور هستند. یک مورد از این روایات به این شرح است:

۱- روایت رفاعه در مورد تدلیس زوجه با این مضمون که اگر ازدواجی از روی تدلیس واقع شده باشد و زوجه دارای اوصافی نباشد که قرار بوده، زوج حق دارد به مهری که داده مراجعه کند.

بند چهارم: قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌شود، قاعده «لاضرر» است که مستند بسیاری از مسائل فقهی می‌باشد. اهمیت قاعده مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور و نزدیک در تالیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده‌اند.

مدارک و مستندات قاعده: فقها و اصولیین برای اثبات «لاضرر» به قرآن، سنت، اجماع و عقل استناد کرده‌اند:

الف) کتاب: در قرآن مجید آیات بسیاری وجود دارد که با تصریح به واژه ضرر و مشتقاتش در موارد خاص، احکامی را ارائه کرده که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عامی است و لاضرر را به صورت یک قاعده می‌تواند تثبیت کند که به ذکر چند نمونه از آن مبادرت می‌گردد:

۱- (لاتضار والدۀ بولدها و لا مولود له بولده)؛ یعنی نباید مادری به والدش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان بزند. در این آیه مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند.

۱. همان، ص ۱۳۴.

۲. بقره/ ۲۳۱.

۲- (و لاتمسکوهن ضرا را لتعتدوا)؛ ظاهراً گروهی از مردان، زنان خود را طلاق داده، سپس به آنها رجوع می‌کردند و این رجوع مجدد نه بعلت رغبتی بود که به آنها داشتند، بلکه با نیت تجاوز و تعدی و احياناً پایمال کردن حقوق مالی ناشی از زوجیت بود که به زنان مطلقه تعلق می‌گرفت. قرآن کریم در این آیه، مردان را از این عمل نهی و منع کرده است. بر اساس تفسیری که فاضل مقداد از این آیه در کتاب «کنز العرفان فی فقه القرآن» نموده است، «ضرا را لتعتدوا» به معنای ضرر وارد آوردن به زن بخاطر آزار رساندن به او می‌باشد؛ (ضرر رساندن به آنها تعدی و تجاوز است؛ آن هم تعدی و تجاوز از حدود الهی).

۳- (من بعد وصیة یوصی بها او دین غیر مضار)؛ پس از انجام دادن وصیتی که کرده است و نیز پس از ادای دینش بی‌آنکه برای وارثان زیانمند باشد...؛ آیه شریفه حکایت از آن دارد که بعد از آنکه وصیت یا دینی که «غیرمضار» است، از ترکه خارج گردید، ترکه بین ورثه تقسیم می‌شود. یعنی وصیتی که موصی به ورثه ظلم نکرده و ضرر نزده باشد؛ چون ممکن است موصی به قصد اضرار به ورثه به دینی اقرار کند و بدین وسیله ورثه را از میراث ممنوع و محروم نماید.

۴ - (ولا یضار کاتب و لا شهید)؛ کاتب و گواهی‌دهنده دین نباید ضرر برساند. یعنی کاتب و تنظیم‌کننده دین و معامله (سندنویس) نباید امری را که غیر واقع است بنویسد و همچنین شاهد باید دقیقاً به چیزی که اتفاق افتاده گواهی دهد و چیزی از آن نکاهد.

ب) سنت: در خصوص لاضرر روایات بسیار زیادی وارد شده که از فرط تعدد به صورت تواتر اجمالی درآمده است. چون ذکر همه آنچه فقها و محدثان در باب قاعده لاضرر به صورت روایت نقل کرده‌اند، غیر ممکن است، اجمالاً به ذکر شمه‌ای از آن می‌پردازیم:

احادیثی که از طریق علمای امامیه درباره قاعده لاضرر رسیده است به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته از آنها به طور مطابقی بر این قاعده دلالت دارند و دسته دوم اخباری است که به طور ضمنی دلالت دارند. از دسته اول روایات زیر نقل می‌شوند:

۱. نساء / ۱۲.

۲. بقره / ۲۸۴.

۳. بقره / ۲۸۲.

مرحوم کلینی در اصول کافی از قول زراره چنین آورده است که امام باقر (ع) فرمودند: «سمره بن جندب در باغی درخت خرمایی داشت که در آستانه آن باغ منزل یکی از انصار قرار داشت. سمره بدون اجازه گرفتن از صاحب خانه به طرف نخل خود آمد و رفت می کرد و این مساله ناراحتی شخص انصاری را فراهم می آورد. روزی به او گفت تو بی خبر به منزل ما می آیی، بهتر است قبلاً اجازه بگیری. سمره در پاسخ گفت: این راه من به طرف درختی که دارم می باشد و از تو نیز اجازه نمی گیرم! شخص انصاری از سمره به پیغمبر (ص)، شکایت برد. پیغمبر (ص) به احضار سمره دستور فرمود و وقتی حاضر شد به او فرمود این مرد از تو شکایت کرده و می گوید تو بر او و خانواده اش بدون اذن وارد می شوی در زمان ورود از او اجازه بگیر! سمره می گوید: آیا من در راه خود به سوی درختم از دیگری اجازه بگیرم؟ پیغمبر (ص) می فرماید از آن درخت صرف نظر کن تا برای تو درختی در جایی دیگر باشد؛ ولی سمره همچنان از قبول آن سرباز می زند! پیغمبر (ص) به او می فرماید: از این درخت صرف نظر کن و در عوض درختی در بهشت بگیر! سمره باز هم بر امتناع خود اصرار می ورزد. در این هنگام پیغمبر (ص) به او فرموده: «انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» و دستور می دهد آن درخت را در آورند و جلوی سمره بیندازند و به او می گوید: «این درخت را بگیر و برو و هر جا می خواهی آن را بنشان». این روایت با اندکی اختلاف باز هم در کافی نقل شده است؛ به این صورت که پیغمبر (ص) به آن مرد انصاری گفت: «اذهب فاقلعها و ارم بها وجهه فانه لا ضرر و لا ضرار»، یعنی برو و آن را از جا بکن و به نزد او انداز، زیرا ضرر و ضرار نیست. ملاحظه می کنید که این دو روایت مربوط به یک حادثه است که به طرق مختلف نقل گردیده است. فرق این دو روایت این است که در روایت اول «علی مؤمن» وجود دارد و در دومی وجود ندارد. وصول روایات با تعبیرهای مختلف ناشی از پدیده نقل به معناست ولی مضمون قاعده لا ضرر به حال خود محفوظ است. در صحت سند حدیث مذکور، حاجتی به تحکم نیست خصوصاً با توجه به آنچه از عمل اصحاب و ارسال مسلمات حاصل می شود. اما در ثبوت دو کلمه «فی الاسلام» و «علی مؤمن» در دو حدیث «لا ضرر» اشکال وجود دارد؛ چون قضیه سمره یک قضیه واحد بوده که در برخی طرق با «مؤمن» و

^۱ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه رسولی، تهران، نشر کتابفروشی علمیه، ۱۳۶۹ ش، باب الضرار، حدیث ۶

در برخی با «اسلام» همراه است. البته در پاسخ به این اشکال می‌توان چنین پاسخ داد که: عدم نقل آن در برخی احادیث منقوله به جهت عمل اصحاب بوده است که «اصالة عدم الزیادة» را بر «اصالة النقیصه» با در نظر گرفتن بنای عقلا ترجیح داده و اینکه راوی این کلمه را ذکر نکرده به جهت عدم احتیاج به نقل آن بوده است؛ و اما اشکال کلمه «فی الاسلام» نیز بدلیل امکان صدور آن و عدم وجود معارض با آن دفع می‌گردد. بنابراین روایت سمره صریح در حرمت وضع ضرر است و با صراحت بر این قاعده دلالت می‌کند. شایان ذکر است که جمله «لاضرر و لا ضرار» در ذیل روایات بی‌شمار دیگری نیز دیده می‌شود از جمله: در روایت شفعه، عقبه بن خالد از حضرت امام صادق (ص) چنین نقل می‌کند: که آن حضرت فرمود:

«و قضی رسول الله (ص) بالشفعة بین الشركاء فی الارضین و المساکن و قال لا ضرر ولا ضرار؛

یعنی حضرت رسول (ص) در مورد شفعه بین شریک در زمین و مسکن قضاوت کرد و فرمود: "لاضرر و لا ضرار".»

از این حدیث معلوم می‌شود که علت و حکمت حق شفعه برای شریک همان لزوم نفی ضرر و ضرار است؛ زیرا انسان به هر شریکی راضی نیست و در مورد شفعه اشاره می‌شود که این سخن در اموال مشاع و اموالی که قابل قسمت باشد، قبل از تقسیم مصداق دارد و بعد از تقسیم دیگر شفعه نیست. زیرا در دنباله حدیث پیغمبر (ص) می‌فرماید:

«اذا ازف الازف و حددت الحدود فلا شفعه؛ یعنی اگر در زمین علامت‌ها گذاشته شد، و حدود تعیین گردید، دیگر شفعه‌ای در کار نیست.»

ج) اجماع: اجماع فقهای امامیه، بلکه فقهای اسلام بر حجیت این قاعده است و مستندشان نیز همین روایت است. علمای عامه نیز به این روایت استناد می‌کنند و امام احمد بن حنبل در مسند و دیگر کتب روایت خود آن را ذکر کرده است. البته این اجماع اصولی اصطلاحی که محقق سنت باشد محسوب نمی‌گردد، زیرا اجماع مذکور با توجه به این ادله مدرکی است و هیچ‌گونه ارزش فقهی و حقوقی ندارد.

د) عقل: بر نفی ضرر و ضرار علاوه بر مستندات شرعیه، دلایل عقلی محکمی نیز موجود است؛ و در واقع باید گفت که مدلول این قاعده جزو مستقلات عقلیه است و مهم‌ترین دلیل بر حجیت آن، مدرک و منبع چهارم فقه یعنی عقل است.

متن حدیث لاضرر: این حدیث به سه نحو خوانده شده است: «لاضرر و لا ضرار»؛ «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»، «لاضرر و لا ضرار علی مؤمن».^۱

مفاد حدیث: معنای لا: اصولاً «لا» در معنای حقیقی خود برای نفی جنس به کار می‌رود و بر سر هر جمله‌ای که بیاید، دلالت بر این مطلب دارد که مدخول لا (یعنی آنچه بعد از لا قرار می‌گیرد) به کلی در عالم خارج وجود ندارد؛ مثل: «لا رجل فی الدار» یعنی مردی در خانه نیست. «لا» در جمله مذکور امکان وجود هر گونه مردی را در منزل نفی می‌کند و از این جمله شنونده در می‌یابد که قطعاً هیچ مردی در منزل نیست. حال می‌خواهیم ببینیم که وقتی گفته می‌شود «لاضرر و لا ضرار»، آیا مفهوم و معنیش این است که در عالم خارج، در اسلام، ضرر وجود ندارد؟ به طور قطع چنین برداشتی از جمله نادرست است؛ زیرا به رای العین دیده می‌شود که ضرر در عالم خارج وجود دارد و ابنای بشر به انحای گوناگون هر روز منشا ایراد ضرر به یکدیگر می‌شوند.

با بروز این گونه اشکالات، فقها تلاش کرده‌اند از ابعاد و زوایای گوناگون «لای» مذکور در حدیث را به گونه‌ای تفسیر و تعبیر نمایند که اقرب به نظر شارع باشد.

معنای ضرر: ضرر دارای معنایی عرفی است که مبرهن است؛ از این روی رجوع به کتب لغت برای فهم معنای آن لازم نیست. به علاوه مراجعه به آنها نشان می‌دهد که آنها نیز سعی در بیان معنای عرفی داشته‌اند؛ مثلاً: در نهاییه ابن اثیر چنین آمده است که: «لا ضرر ای لا یضر الرجل اخاه و هو ضد النفع» همچنین قول پیغمبر (ص) (لاضرر) را چنین معنا کرده‌اند که: «مرد نباید به برادر خود ضرر وارد سازد یعنی نباید چیزی از حق او کم بگذارد». در کتب دیگر همین تعبیرات کم و بیش موجود است که خلاصه آن چنین است: برخی ضرر را در برابر نفع گرفته‌اند و برخی دیگر گفته‌اند: «ضرر عرفاً نقص و کم کردن در مال یا عرض یا نفس یا در شیئی از شوون آن، بعد از وجود شی یا بعد از وجودی که مقتضی قریب آن است - از آن جهت که عرف آن را موجود می‌بیند - می‌باشد.» راغب ضرر

^۱. محقق داماد، مصطفی، پیشین، ص ۱۳۴.

را به معنای سوء حال دانسته و می‌نویسد: «ضرر یعنی سوء حال و به علت کمی دانش و فضل در نفس یا در بدن و به لحاظ نقص یا کمبود عضوی یا ناشی از کمی مال و جاه است.»

بنابراین به طوری که ملاحظه می‌شود تمامی این توضیحات در زمینه معنای عرفی ضرر است و به نظر می‌رسد که رساترین تعریف و تعبیر چنین باشد:

«فقد کل ما نجد و ننتفع به من مواهب الحیات من نفس او مال او عرض او غیر ذلک؛ یعنی نداشتن و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم.»

معنای ضرار: سید میرزا حسن بجنوردی در خصوص معنای ضرار می‌گوید:

«و اما کلمه ضرار بنا بر قولی از مصدر مفاعله می‌باشد و اگر چنین باشد معنای ضرار به جهت دو طرفه بودن باب مفاعله عبارت است از: ضرر بر غیر در مقابل ضرری که از غیر بر او وارد شده است و از آن جهت که دلالت بر تکرار صدور فعل از فاعل می‌کند، فرقی نمی‌کند که فاعل در اینجا یک شخص باشد و یا آنکه دو شخص؛ اگرچه باب مفاعله در خصوص فاعلیت دو شخص به کار می‌رود.»^۲

با توجه به آنچه در معنای ضرر و ضرار آمد، در بیان معنای لغوی آن دو، احتمالات ذیل مطرح شده است:

- ضرار یعنی ضرر زدن دو نفر به یکدیگر به مقتضای باب مفاعله.
- ضرار یعنی مجازات، تلافی و کیفر دادن ضرری که یکی ایجاد کرده است.^۳
- ضرار یعنی ضرر زدن به دیگری بدون اینکه سودی عاید شود و ضرر یعنی زیان زدن به دیگری به نفع خود^۴
- ضرار یعنی ضیق و عسر و حرج^۵

۱. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۵۳.

۲. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۷۳.

۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت^۱، ۱۴۰۸ ق، چاپ اول، ج ۳، ص ۱۴۹.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، پیشین، ص ۵۴۲، حدیث ۱.

۵. محقق داماد، مصطفی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۸۳.

- - ضرار یعنی زیان رساندن به‌طور عمدی و ضرر اعم است از اینکه عمدی باشد یا غیر عمدی
- - ضرار به معنای تکرار صدور ضرر است یعنی ضرر زدن به‌طور مکرر
- - ضرر اسم است و ضرار مصدر؛ پس مراد از اولی نهی از فعل است که مصدر است و مراد از دومی نهی از ایصال ضرر است که اسم مصدر می‌باشد.

فرق میان ضرر و ضرار این است که اگر حکم یا فعلی چنان باشد که بی‌قصد و اصرار بر ضرر، از آن ضرری به‌هم‌رسد، آن را ضرر می‌خوانند و اگر از روی قصد و تعمد باشد، بعنوان ضرار از آن تعبیر می‌شود. به‌ر حال اختلاف معنی این دو لفظ یا تأکیدی بودن دومی برای اولی از اموری نیست که طرح بحث آن برای فقیه چندان مهم باشد بلکه آنچه برای فقیه مهم و بر او لازم است بحث از مفاد جمله ترکیبیه و مدلول فقهی حدیث می‌باشد.

بخش چهارم: مسئولیت مدنی و کیفری متخلفین در قوانین ایران

بند اول: مسئولیت مدنی

همان‌طوری که گفته شد، مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگران وارد می‌شود و زمانی یافت می‌شود که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد شود. مسئولیت مدنی متخلفین از اصول استاندارد، مطابق با قوانین و قواعد عام قابل‌پیگیری است. در این رابطه قواعدی همچون قاعده اتلاف، تسبیب، غرور و لاضرر حاکم است، همچنان که ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹ که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» نسبت جبران خسارات‌ها وارده تصریح دارد. با توجه به مطالب بالا اگر مصرف‌کننده به جهت عدم رعایت استاندارد از سوی تولیدکنندگان متحمل ضرری گردد، تولیدکننده موظف به جبران این خسارات است.

بند دوم: مسئولیت کیفری

قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی حدود و ثغور مسئولیت متخلفین از استانداردها را در فصل چهارم همان قانون ذیل عنوان «جرائم و مجازات‌ها»، مشخص گردانیده است. در این رابطه ماده ۴۱ همان قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که واحدهای تولیدی و خدماتی دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد یا تأییدیه از سازمان، اقدام به تولید کالا یا خدمات پایین‌تر از کیفیت استاندارد نمایند، موضوع در کمیسیون ماده (۴۲) این قانون تصمیم‌گیری می‌شود.» مطابق این ماده در صورت تخلف از اصول استاندارد، موضوع به کمیسیونی که مرکب از یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضائیه، مدیرکل استاندارد استان و نماینده سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نماینده اتاقهای بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی، تعاون مرکزی و اصناف ایران است، ارجاع داده می‌شود. ماده ۴۲ مقرر می‌دارد: «کمیسیونی مرکب از یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضائیه، مدیرکل استاندارد استان و نماینده سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نماینده اتاقهای بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی، تعاون مرکزی و اصناف ایران حسب‌مورد تشکیل و بدواً به موارد مذکور در این قانون رسیدگی می‌کند و با ملاحظه شرایط و امکانات خاطی و دفعات تخلف در صورت احراز جرم مراتب را به مرجع قضائی ذی‌صلاح ارجاع می‌کند. در غیراین‌صورت با تذکر و اخطار، اقدام به اخذ تعهد، جریمه، تعطیل واحد تولیدی یا خدماتی، جمع‌آوری محصول از سطح بازار، الزام به بهسازی و اصلاح، فروش و امحای کالا می‌نماید. تصمیمات کمیسیون ظرف مدت سی‌روز پس از ابلاغ در مراجع قضائی ذی‌صلاح قابل اعتراض خواهد بود در غیراین‌صورت تصمیمات کمیسیون قطعی محسوب می‌گردد.» ماده ۴۳ همان قانون نیز مقرر می‌دارد: «در موارد ضروری که تأخیر در اقدام موجب خسارت و زیان جانی و مالی به مردم می‌شود رئیس سازمان می‌تواند موقتاً این فرآورده‌ها را در مراکز تمرکز، توزیع و فروش کالا توقیف کند و به‌منظور جلوگیری از ادامه تولید این فرآورده‌ها، ابزار، ماشین‌آلات و وسایل تولیدی مربوط را لاک و مهر نماید.

تبصره - فرآورده‌های موضوع این ماده پس از کشف توسط بازرسان و کارشناسان سازمان، مورد بررسی قرار گرفته و قابلیت مصرف و بهسازی، اصلاح، فروش و امحای آن معین می‌شود و با رأی کمیسیون ماده(۴۲) این قانون تعیین تکلیف می‌گردد. در صورت فروش، وجوه حاصله به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و معادل آن به‌عنوان درآمد

اختصاصی در چهارچوب قانون بودجه کل کشور به مصرف توسعه و تجهیز آزمایشگاهها می‌رسد.» با توجه به مقررات بالا در صورتی که جرم شخص احراز نشود موارد ذیل اعمال می‌شود: تذکر و اخطار، اقدام به اخذ تعهد، جریمه، تعطیل واحد تولیدی یا خدماتی، جمع‌آوری محصول از سطح بازار، الزام به بهسازی و اصلاح، فروش و امحای کالا.

همچنان که ماده ۴۴ نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه ارتکاب یکی از جرائم و تخلفات مذکور در این قانون موجب بیماری یا آسیب جسمی، یا روحی و یا منجر به مرگ شود، مرتکب حسب نتایج حاصله با حکم دادگاه به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- در صورتی که مدت معالجه کمتر از دو ماه باشد مجازات مرتکب حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج

۲- در صورتی که مدت معالجه بیش از دو ماه و کمتر از شش ماه باشد مجازات مرتکب با حداکثر مجازات بند(۱) این ماده

۳- در صورتی که مدت معالجه بیش از شش ماه باشد مجازات مرتکب حبس تعزیری درجه پنج و یا جزای نقدی درجه سه

تبصره - چنانچه عدم اجرای مقررات این قانون موجب نقص عضو و یا فوت کسی شود، به جرم مرتکب مطابق احکام قانون مجازات اسلامی رسیدگی می‌شود.»

ماده ۴۵ همان قانون نیز مقرر می‌دارد: «چنانچه مصرف‌کننده از غیراستاندارد بودن کالا یا خدمت متحمل خسارت و ضرری شده باشد، عرضه‌کننده یا تولیدکننده و یا ارائه‌دهنده خدمت براساس ماده(۱۸) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۵/۷/۱۳۸۸ علاوه بر جبران خسارت شاکی به مجازات مذکور در ماده یادشده محکوم می‌شود.»

ماده ۴۶ نیز مقرر می‌دارد: «هر شخص حقیقی و حقوقی که به نحوی به امور تولید، تجارت و ارائه خدمات و داد و ستد اشتغال دارد، چنانچه دارای اوزان و مقیاس‌ها و وسایل سنجش تقلبی یا غیرقانونی باشد و یا با اوزان و مقیاس‌های تقلبی و غیرقانونی داد و ستد کند علاوه بر رد معادل اموالی که با تقلب کسب کرده است با حکم دادگاه به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه سه یا هر دو مجازات محکوم و وسایل سنجش مذکور به نفع سازمان ضبط می‌شود.»

ناگفته نماند مطابق ماده ۵۱ جرائم قانون مذکور از جرائم عمومی و غیرقابل گذشت محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام وارد ساختن هرگونه ضرر به فرد و جامعه مورد مذمت قرار گرفته است. به علاوه در فقه اسلامی، روش‌های جبران خسارت‌های وارده پیش بینی شده است. استاندارد هم هدفی غیر از مصون کردن افراد جامعه از ایجاد خطرات و آسیب‌های ناشی از مصرف محصولات ندارد بنابراین با استفاده از قواعد فقهی موجود می‌توان پایه و اساس محکمی برای توجیه لزوم رعایت استاندارد در فقه ایجاد کرد. عدم رعایت استاندارد و وارد ساختن ضرر منجر به ایجاد مسئولیت کیفری و مدنی برای فرد یا واحد صنعتی مختلف می‌شود. مسئولیت مدنی فرد متخلف مطابق ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قواعدی همچون قاعده اتلاف، تسبیب، غرور و لاضرر حاکم است، قابل جبران است. در زمینه مسئولیت کیفری نیز، قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی حدود و ثغور مسئولیت متخلفین از استانداردها در فصل چهارم همان قانون ذیل عنوان «جرائم و مجازات‌ها»، مجازات‌های از قبیل حبس مشخص گردانیده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

منابع فارسی

۱. اکبری حقیقی، کریم، استاندارد چیست و استاندارد کردن برای چی هدفی است؟، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۱ ش
۲. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۷ ش، چاپ سوم
۳. انواری، پروین و دیگران، دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۱ ش
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی علم حقوق، تهران، گنج دانش، بی تا
۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، محمد بن حسن بن علی، قم، مؤسسه آل البیت^۱، ۱۴۱۲ ق، چاپ دوم
۶. روشن بین، فروز، مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی تخصصی، تهران، صنم، ۱۳۸۷ ش
۷. ساوانی، اسماعیل، قانون مجازات اسلامی، تهران، مشاهیر داد آفرین، ۱۳۹۲ ش، چاپ چهارم
۸. شهابی، محمود، دو رساله، پرتال گنجینه معارف
۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
۱۰. حائری، علی، استاندارد و مقررات آن در ایران، تهران، چاپخانه آذر، ۱۳۴۸ ش
۱۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، شرکت جهانی انتشار، بی تا
۱۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه رسولی، تهران، نشر کتابفروشی علمیه، ۱۳۶۹ ش

۱۳. کمالوند، امیر، قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، مشاهیر مهرداد آفرین، بی تا، چاپ پنجم
۱۴. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش، چاپ اول
۱۵. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۳ ش
۱۶. مدنی، جلال الدین، حقوق مدنی، اسلامی، تهران، بی تا
۱۷. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱ ش، چاپ اول
۱۸. یگانه، مهرداد، استاندارد و استاندارد کردن، کرج، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۸ ش

مقالات

۱۹. صابری، علی، «ساز و کارهای قانونی نظارت بر استاندارد کالا»، پرتال باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۳
۲۰. صبوری زاد، «ضمان قهری یا مسئولیت مدنی» پرتال مسائل حقوق و قضایی، ۱۳۹۰
۲۱. پیروز «ارکان استاندارد» مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ش ۱۴۱، خرداد ۱۳۸۱
۲۲. محمدی، «جنبه‌های استاندارد» مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ش ۱۴۱، خرداد ۱۳۸۱
۲۳. یزدی، کالای غیر استاندارد و چگونگی دریافت خسارت ناشی از مصرف آن، پرتال حقوق کیهان.